

واکاوی مفاهیم طنز، حماقت و روزمرگی در دو نقاشی «بازی کودکان» و «جنگ بین کارناوال و روزه‌داران» اثر پیتر بروگل

آیناز اصغری نیا^{۱*}

دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه هنر، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

در قرن شانزدهم میلادی، در پی گسترش تفکرات پروتستانیسم و نگرش اومانستی در جوامع اروپایی و رویکرد ادبی متفاوتی که با انتشار هر چه بیشتر آثار طنزپردازان همراه بود، مفاهیمی از قبیل حماقت و تمسخر در زندگی روزمره افراد جامعه، مورد توجه قرار گرفت و گروهی از نقاشان در منطقه فلاندر نیز از سنت‌های مرسوم در سبک ایتالیایی فاصله گرفتند و به صورت بارزی به ترسیم این مفاهیم در آثار خود پرداختند. نقاشان این منطقه برای بیان مطالب اخلاقی و مذهبی، برخلاف گذشته از انسان‌هایی با بدن‌های ایده‌آل و صورت‌های زیبا استفاده نمی‌کنند بلکه انسان‌هایی در آثار آنها ترسیم شده‌اند که زندگی‌شان را در شکل متفاوتی از گذشته و در تقابل با اندیشه کلیسای کاتولیک شکل داده‌اند. بدن این انسان‌ها، غالباً از ریخت افتاده و از حالت طبیعی خارج شده‌است و با توجه به آرای متفکرانی چون اراسموس، بر وجه حماقت و طنز در زندگی روزمره خود تأکید بیشتری دارند. از جمله نقاشان فلاندری که با در نظر گرفتن شرایط آن روزهای اروپا، این مفاهیم در آثارشان نمود یافته‌است، هیرونیموس بوش و پیتر بروگل مهتر بودند که به بیان طنز مضامین اخلاقی و مذهبی و ترسیم انسان‌هایی پرداختند که از نمونه‌های شناخته‌شده در نقاشی اروپایی فاصله داشتند و تصاویر متفاوتی از صحنه‌های زندگی روزمره افراد جامعه را نقش زدند. در این پژوهش، تلاش شده تا با در نظر گرفتن داده‌های تاریخی و مطالب مرتبط با وقایع این دوره از اروپا، به سوال چگونگی بازتاب مفاهیم طنز و حماقت و روزمرگی در بستر وقایع شکل گرفته در آثار هنرمندانی چون بروگل مهتر پاسخ داده شود و برای بررسی این امر، دو اثر بازی کودکان و جنگ بین کارناوال و روزه‌داران بروگل که از نمونه‌های شاخص و مهم در این زمینه هستند، مدنظر قرار گرفته و به توصیف و تحلیل آنها خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی

طنز، حماقت، زندگی روزمره، پیتر بروگل مهتر.

* نویسنده مسئول: asgharyniaainaz70@gmail.com

مقدمه

زمانی که تفکر «پروتستانیسیم»^۱ به نقطه مرکزی عرصه مسائل دینی و سیاسی اروپا در قرن شانزدهم تبدیل شد، جریان‌های مهمی را در این مناطق رقم زد. این تفکر که به مقابله با قدرت مطلق «کلیسای کاتولیک»^۲ در اروپا برخاسته بود، سعی بر آن داشت تا به تسلط نگاه خشک و تک‌بعدی کلیسای کاتولیک پایان دهد و اشراف آن را بر مسائل مختلف دینی، مذهبی و اخلاقی در زندگی مردم نقد نماید. کلیسای کاتولیک که تا به آن روز، حاکم بلامنازع عرصه‌های مختلف در جامعه اروپا بود این تغییر نگرش را نپذیرفت و این مطلب منجر به شروع درگیری‌های گسترده میان مدافعان اصلاح دینی و کلیسای کاتولیک در بسیاری از مناطق اروپا شد (اعوانی و دیگران، ۱۴۰۰، ۹۴۸). مناطق «زمین‌های پست»^۳ و «فلاندر»^۴ بیش از دیگر مناطق اروپا، درگیر آشفتگی‌های ناشی از اصلاحات دینی شدند؛ این مناطق در آن روزها بخشی از ایالات دودمان «هابسبورگ»^۵ بودند که تحت حکومت «کارل پنجم»^۶ پادشاه آلمان و اسپانیا، قرار داشت. امپراتوری هابسبورگ که پیرو کلیسای کاتولیک بود نسبت به رواج تفکر پروتستانیسیم در این منطقه واکنش نشان داد و باعث درگیری‌ها و ویرانی‌های بسیاری در این مناطق شد^۷ (جنسن، ۱۳۹۳، ۳۹۳-۳۹۴). در سیر پایان‌یافتن قدرت کلیسای کاتولیک، توجهی به افکار اومانیستی صورت گرفت که در صدد اعتباربخشیدن به تفسیر و نقد فردی نسبت به ارزش‌ها و معیارهای موجود در جامعه و کنارگذاشتن هر نوع مطلق‌گرایی دینی بود. در این زمان، آثاری چون «در ستایش حماقت»^۸ اثر «دسیدریوس ارساموس»^۹ و اشعار «سباستین برانت»^{۱۰} به نام «کشتی احمق‌ها»^{۱۱} و یا آثار «فرانسوا رابله»^{۱۲} نگاه مردم جامعه و هنرمندان را در بستر رویکرد اومانیستی به سمت موضوعات طنز و مضامین تمسخرآمیز سوق داد و در آثار نقاشان مناطق هلند و فلاندری انعکاس یافت. به دلیل تعصبات شمایل‌شکنانه پروتستان که به‌دنبال کنارگذاشتن سفارشات آثار هنری کلیسای کاتولیک بود، کلیه موضوعات غیردینی مانند مناظر طبیعی و صحنه‌های زندگی روزمره و تصاویر اشیاء مد نظر نقاشان فلاندری و هلند قرار گرفت که فقدان آثار دینی را جبران می‌کرد (همان، ۳۹۴). درواقع، این مسئله مطرح است که چگونه به تدریج نقاشان فلاندری هم‌چون «پیتر بروگل مهتر»^{۱۳} با استفاده از صحنه‌هایی از زندگی روزمره، مفاهیمی چون حماقت و طنز را با توجه به اندیشه شکل‌گرفته آن روزهای اروپا در آثار خویش به نمایش درآوردند که در ادامه به بیان این مطلب خواهیم پرداخت.

پیشینه پژوهش

درخصوص بررسی دو اثر مورد اشاره از پیتر بروگل مهتر در تحقیقات دیگر، می‌توان به پایان‌نامه شراره افتخاری یکتا (۱۳۹۳) تحت عنوان «تحلیل نقاشی بروگل بر اساس اندیشه باختین» اشاره کرد که به بررسی این آثار بر مبنای دیدگاه باختین پرداخته و مباحث آن را از منظر زیبایی‌شناسی مورد بررسی قرار داده‌است. هانیسه همایونی (۱۳۹۹) نیز پژوهشی با عنوان «تحلیل نقاشی جنگ میان کارناوال و روزه‌داران اثر پیتر بروگل مهتر» (۱۳۹۹) به انجام رسانده که در نشریه مطالعات عالی هنر به چاپ رسیده‌است. این مقاله به تحلیل فرمالیستی و زیباشناسی و بررسی نمادها در اثر «جنگ میان کارناوال و روزه‌داران» بروگل مهتر پرداخته و رویکرد وی نسبت به رذالت و اعمال غیراخلاقی انسان‌ها را بیان می‌کند. در این پژوهش نیز برای تبیین مسئله خنده، از اندیشه باختین در مورد کارناوال بهره گرفته شده‌است. اما آن‌چه در پژوهش حاضر مدنظر است بررسی وقایع و نشر عقاید پروتستانیسیم و اومانیستی و توجه به مفاهیم طنز و حماقت در عرصه ادبی است که توسط افراد جامعه و اندیشمندان، نگرش و فهم متفاوتی را نسبت به این موضوعات در زندگی روزمره رقم زده‌است و در اثر هنرمندانی مانند بروگل مهتر به صورت دیگری می‌توان آنها را مورد بررسی قرار داد.

روش پژوهش

در راستای بررسی مسئله مورد بحث در این مقاله، با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی در ابتدا سعی شده که به ذکر وقایع تاریخی و تأثیرگذاری آنها در سیر جریان مورد نظر پرداخته شود و در پی بیان آرا و نظرات برخی از متفکران مانند اراسموس، مفاهیم حماقت و طنز و روزمرگی در دو اثر اشاره‌شده بررسی گردند. برای بررسی و تحلیل آثار مورد نظر مقاله، از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده‌است. لازم به ذکر است که انتخاب و تحلیل دو اثر پیتر بروگل مهتر به این علت صورت گرفت که مخاطب در مواجهه با این دو اثر، به سمت مفاهیم مورد بررسی سوق داده می‌شود و هم‌چنین تمایز آنها را با بسیاری از آثار دوران خود درمی‌یابد. گویی تمرکز بروگل مهتر بر همین مفاهیم بوده و صحنه‌ای که وی به نمایش درآورده، می‌تواند جایگاه شاخصی در تحلیل این موارد داشته باشد.

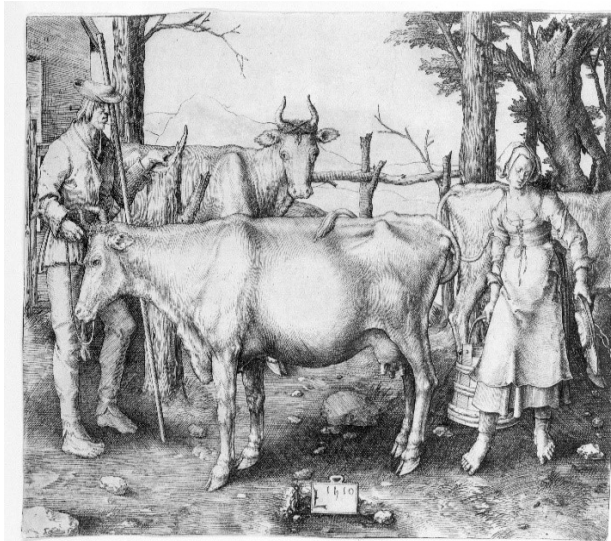
مکتب فلاندری

در آثار نقاشان فلاندر، واقع‌گرایی دارای اهمیت بود. شیوه

مردان کور و گدایان داشت که بعدها ادامه این سبک وی در نقاشی پیتر بروگل مهتر به شیوه بارزی مشاهده می‌شود به صورتی که بروگل را برخی «بوش ثانی» نیز می‌نامیدند (Van der Coelen, Lammertse & Richards, 2019, 13-14).



شکل ۱. هیرونیموس بوش، کشتی/احمق‌ها، ۱۵۰۰ میلادی، موزه لوور پاریس.



شکل ۲. لوکاس وان لیدن، دختر شیردوش، ۱۵۱۰ میلادی، موزه ملی آمستردام.

واقع‌گرایانه نقاشان این منطقه، به وسیله مشاهده دقیق و بازنمایی امور عادی، صحنه‌های زندگی، ذوق طنز و رمزپردازی اخلاقی به نمونه متفاوت و درخشان سبک «رنالیسم»^{۱۴} تبدیل شد و توجه به این امر را می‌توان برخاسته از سنت مصورسازان کتاب در سده دوازدهم تا چهاردهم این منطقه دانست زیرا با انگلستان در ارتباط بودند و همواره به تصویرسازی موضوعات دنیوی در حاشیه کتاب‌ها علاقه داشتند که گاهی بر تصاویر مذهبی برتری پیدا می‌کرد. از هنرمندان مهم این مکتب که شیوه واقع‌نمایی در آثار آن‌ها تا حد زیادی رشد نمود «یان وان ائیک»^{۱۵}، «ویدن»^{۱۶}، «بوئوتس»^{۱۷} هستند که در آثار آن‌ها آغاز مهمی برای تکمیل استفاده از فن رنگ روغن و تک چهره‌نگاری‌ها و تصاویر مذهبی شکل گرفت که در دوره‌های بعد مورد تقلید و استفاده هنرمندان این مکتب بود (پاکباز، ۱۳۹۴، ۲۱۴۶-۲۱۴۹).

سبک متفاوتی از واقع‌نمایی و طبیعت‌پردازی از سده شانزدهم در آثار هنرمندانی چون «هیرونیموس بوش»^{۱۸}، «لوکاس وان لیدن»^{۱۹}، «کونتین ماسیس»^{۲۰}، «پیتر آرتسن»^{۲۱} و پیتر بروگل مهتر نمود یافت (شکل‌های ۱ و ۲). این افراد از جمله نخستین کسانی بودند که به ترسیم زندگی روزمره در آثار خود پرداختند و آغازگران ژانری متفاوت در اثر خویش بودند. این هنرمندان سعی نمودند در میان آثاری که در آن دوران بر مبنای سنت‌های گذشته، انسانی را ترسیم می‌نمودند که برخاسته از داستان‌های دینی و وقایع تاریخی بود و به شیوه هر چه تمام‌تر به زیبایی و با بدن و صورتی ایده‌آل صورت می‌گرفت، به نمایش صحنه‌هایی از فاحشه‌خانه‌ها، مهمان‌خانه‌ها، مراسم و جشن‌های دهقانان بپردازند که قبل از آنها مورد توجه هنرمندان دیگر نبود. برای نمونه اگر چه در آثار بوش با ترسیم دقیق اشیاء و افراد مواجه هستیم، اما آنها در زمینه یک جریان معمول و واقعی از زندگی نیستند. بوش در آثارش تأکید بسیاری بر طنز و چهره‌های کاریکاتوری شده و لباس‌های قدیمی انسان‌ها دارد و گویی این نمونه‌ها را از بطن زندگی روزمره افراد جامعه‌اش استخراج نموده و به نمایش گذاشته‌است. او تمامی این موارد را در خدمت ترسیم صحنه‌هایی می‌گیرد که عجیب و دور از واقعیت می‌نمایند. او به جای زیبایی، زشتی و بدنی خارج از وضعیت طبیعی را مورد توجه قرار می‌دهد؛ او انسانی را ترسیم می‌کند که ظاهر و بدنش برای مخاطب اثر، مضحک به نظر می‌رسد و از انسان اسطوره‌ای سبک ایتالیایی فاصله گرفته‌است. وی با ترسیم چنین انسان بی‌قاعده و بی‌قواره‌ای و صحنه‌های عجیب و به‌شکلی سورئال^{۲۲} مضامین اخلاقی و مذهبی را به صورتی متفاوت در آثارش مطرح کرده‌است. بوش در آثارش علاقه زیادی به نمایش احمق‌ها،

مطالبی که اراسموس در کتاب خود منعکس می‌سازد می‌تواند در مقابله با قوانین دشوار کلیسای کاتولیک باشد، زیرا آن چه صرفاً در کلیسای کاتولیک به آن توجه می‌شد، مراسم و مناسک خشک مذهبی بود که فارغ از مسائلی چون شادی و لذت و یا حتی خنده بود و در بعضی موارد اشاره می‌شود که این دسته موضوعات، در زمینه‌های مختلف طرد شده بودند و کلیسای کاتولیک مطالبی چون حماقت و شادی و طنز را برخاسته از لذت‌های دنیوی می‌دانست و همواره آن را نکوهش می‌نمود. در تضاد با جریانات کلیسای کاتولیک در قسمتی از کتاب در ستایش حماقت، اراسموس به مردمان «برابانت»^{۲۶} فلاندر اشاره دارد و آنان را در مورد شیوه زندگی‌شان که بر مبنای شادی و دیوانگی است، می‌ستاید: «اینان هر چه به سن پیری نزدیک می‌شوند دیوانه‌تر می‌شوند. در جهان کمتر مردمی دیده می‌شوند مانند اینان شاد و مهربان و دلپذیر باشند چنان که گویی مشکلات پیری را احساس نمی‌کنند. دوستان هلندی آنها در همسایگی‌شان راه زندگی آنها را تقلید می‌کنند.» (همان، ۳۸).

اراسموس از جمله متفکرانی بود که در آثارش به بیان مواضع اومانیستی می‌پرداخت. تفکر اومانیستی که در این دوران در آثار متفکرانی چون او نمود یافته بود، برخاسته از عصر رنسانسی است که انسان را بار دیگر هم‌چون یونان باستان معیاری برای تعریف و فهم بسیاری از مسائل قرار می‌دهد و در برابر اقتدارگرایی ناشی از تفکر دینی و مدرسی می‌ایستد. با توجه به ترجمه آثار متعدد از دوران یونان باستان و رواج تفکرات انسان‌گرایانه در دفاع از خواست و اراده آزاد انسان که در بسیاری از آثار متفکران و نویسندگان این ایام می‌توان مشاهده نمود، رویکردی در این دوره شکل گرفت که افراد جامعه، خود ارزش‌ها و معیارهای زندگی اجتماعی‌شان را تعریف می‌کردند. در کنار این موارد نیز مفاهیم طنز و حماقت موجود در زندگی مورد توجه قرار گرفته و برخلاف عقاید کلیسای کاتولیک آنها را گناه نمی‌پندارند و سعی دارند براساس اراده خویش آنها را بازتعریف نمایند.

از آثار دیگری که به مضامین خنده و حماقت بشری می‌پردازد می‌توان به اثر «لورنت ژوبرت»^{۲۷} پزشک فرانسوی به نام معاهده خنده^{۲۸} اشاره کرد که در سال ۱۵۷۰ میلادی به چاپ رسید و به شرح مسئله خنده پرداخته است. وی آن را این‌گونه عنوان می‌کند: «خداوند در میان لذت‌های انسان خنده را قرار داد برای تفریح او تا به راحتی افسار ذهنش را شل کند» (Gibson, 2006, 19) و یا آثار «فرانسوا رابله» مانند گارگانتوا و پانتاگروئل^{۲۹} که داستان‌های طنز و خنده‌آوری را دربرداشت و رابله سعی کرده بود عرف‌گرایی و آرمان‌گرایی‌های آن جهانی تحمیلی افکار مذهبی را با تکیه بر فرهنگ عامه و

می‌توان گفت که در این مکتب هنرمندانی چون بوش و بروگل مهتر، فاصله مهمی از تفکر مرسوم در کلیسای کاتولیک و نقاشی ایتالیایی گرفتند. مضمون گناه انسان‌ها که در آثار این دو هنرمند با بیان رمزآمیز و مطایبه به آن پرداخته می‌شود، امری نبود که قبل از آن نمونه چندانی داشته باشد. آنها انسانی را تجسم بخشیده‌اند که همراه با زشتی و حماقت است و این مسائل، بخشی از زندگی است اوست که پذیرفته است و از آن رهایی ندارد. گویی این دست از وجوه زندگی انسان، در تفکر کلیسای کاتولیک و حتی در هنر اروپا به دست فراموشی سپرده شده بود. درواقع، زندگی در ساحت عقلی که در پرتوی ایمان و دین قرار داشت، چنان چارچوب ثابت و موازین خشکی را بر انسان آن روزهای اروپا تحمیل نموده بود که جایی برای بازتاب این مفاهیم نگذاشته بود.

اگرچه برای مدتی توجه به مسائل زندگی روزمره در آثار هنرمندان مکتب فلاندری بسیار نمود پیدا کرد، اما به تدریج با نفوذ هنر رنسانس ایتالیایی و سفر بسیاری از هنرمندان این منطقه به ایتالیا، سنت‌های مکتب فلاندری به حاشیه رانده شد و نمود روش استادان ایتالیایی در این آثار قوت گرفت. با آغاز سده هفدهم که «کلاسیسیسم»^{۳۰} و «منریسم»^{۳۱} در فلاندر رواج یافت و با سنت‌های این منطقه آمیخته شد، نتایج متفاوتی را نسبت به گذشته در میان آثار فلاندری رقم زد (پاکباز، ۱۳۹۳، ۲۱۵۱).

روزمرگی، حماقت و طنز در آثار هنرمندان فلاندری

در سده شانزدهم میلادی، گسترش صنعت چاپ در مناطقی مانند «آنتورپ»^{۳۲} باعث شد آثار مختلفی در اختیار مردم قرار گیرد که صرفاً در حوزه مسائل دینی و مذهبی نبودند و به موارد دیگری از زندگی مردم توجه داشتند. یکی از مواردی که در این ایام در آثار چاپی بیش از پیش مورد توجه و استقبال مردم قرار گرفت، طنزنویسی و پرداختن به داستان‌ها و ضرب‌المثل‌هایی بود که جنبه تمسخر و طنز داشتند. از نمونه‌های مهمی که در این حوزه به چاپ رسید، کتاب در ستایش حماقت اراسموس بود که در سال ۱۵۳۰ میلادی منتشر شد. وی در این کتاب به صورت شایانی به مسئله حماقت، شادی، خنده و طنز می‌پردازد. او بیان می‌کند که «شادی و خوشبختی بدون حماقت وجود ندارد» (اراسموس، ۱۳۸۱، ۴۰). اراسموس به این مطلب اشاره دارد که به وسیله حماقت، زندگی برای مردم لذت‌آور و قابل تحمل می‌شود. این تأکید بسیار بر مفاهیم حماقت و دیوانگی در اثر اراسموس که شخصیتی برجسته در میان متفکران آن ایام بود خود نیز ذهنیت جدیدی را برای پرداختن به مسائل زندگی، اخلاقی و دینی برای مردم و به‌خصوص هنرمندان ایجاد کرد.

به‌طور کلی، تبیین این مفاهیم در سه دسته قرار می‌گیرد: دسته اول که بر وضعیت دینی موجود در آن ایام اروپا تأکید می‌کند، در این مورد، موضوعات جدید مانند روزمرگی، طبیعت‌پردازی، طنز و حماقت به‌عنوان پاسخی به اصلاحات پروتستانی است که مبتنی بر دیدگاه کلی منفی آنها نسبت به تصویرسازی دینی در نظر گرفته می‌شود و تقاضا برای موضوعات جایگزین را مطرح می‌نماید. دسته دوم آنهایی هستند که استقرار این موضوعات جدید را به تغییرات اجتماعی و اقتصادی نسبت می‌دهند، از جمله رشد مخاطبان طبقه متوسط با علایق سوداگرانه، به‌همراه داشتن روش‌های جدید برای تولید و فروش آثار هنری، از جمله رشد بازارهای آزاد که هنرمندان را تشویق به تخصصی‌شدن و توسعه بستر این موضوعات می‌کند. در مورد دسته سوم، معرفی موضوعات جدید را متعلق به تحولات فرهنگی ناشی از گسترش علایق اومانیستی^{۳۲} می‌دانند. در این دیدگاه، نوآوری ناشی از قرار گرفتن در معرض ادبیات کلاسیک از امکانات جدیدی است که در سیر این مورد پیشنهاد می‌شوند، مانند تقلید از ژانرهای تصویری و خلق معادل‌های بصری برای آثار ادبی با الهام از متون کلاسیک مانند «در ستایش حماقت» اثر اراسموس یا «کشتی احماق‌ها» از سباستین برانت (Sullivan, 2011, 127-149).

پیتر بروگل مهتر

پیتر بروگل مهتر (۱۵۲۵-۱۵۶۹)، نقاش و رسام فلاندری است و مورخان برای آن که وی را از فرزندان و نوادگانش متمایز سازند، به او لقب «بروگل دهقان» دادند. او در نزد «پیتر کوکه وان آلشت»^{۳۳} شاگردی کرد و با دختر وی ازدواج نمود و چندی بعد به صنف نقاشان آنتورپ پیوست. سفری به ایتالیا رفت و پس از مدتی به آنتورپ بازگشت. او که به ترسیم مناظر علاقه داشت برای مدتی به طراحی آنها اقدام نمود که توسط «هیرونیموس کوک»^{۳۴} حکاکی شده و انتشار یافتند (پاکباز، ۱۳۹۴، ۲۲۷).

پیتر بروگل مهتر از معدود کسانی بود که در میان نقاشان فلاندری با چیره‌دستی خاصی به ترسیم مناظر طبیعی و روستایی می‌پرداخت. او به مباحث اومانیستی و مسائل زندگی روزمره افراد توجه بسیاری داشت و در دربار هابسبورگ خدمت می‌نمود و هیچ‌گاه برای کلیسا کار نکرد و برای ترسیم مسائل مذهبی و اخلاقی، شیوه متفاوتی از آنچه در سنت ایتالیایی و نقاشی‌های کلیسای کاتولیک مرسوم بود، مد نظر قرار داد. او حتی زمانی که به ایتالیا سفر کرد، به جای پرداختن به آثار هنری و معماری آن کشور، در نقاشی‌هایش به منظره‌سازی از کوه آلپ و طبیعت ایتالیا توجه نمود. بروگل در آثار خودش به

تاریخ باستان کنار بگذارد و از شگردی چون خنده رابله‌ای که به اموری چون دلکها، ولگردها و ابله‌ها تأکید داشت (شکل ۳) برای بیان مقاصد خویش که از جمله ایجاد ارتباطات جدید انسانی بود استفاده نماید (باختین، ۱۳۹۱، ۲۳۴-۲۳۵). رابله از جمله نویسندگانی بود که در بستر داستان‌های طنز خود، به ترسیم مفهوم آزادی انسان از بسیاری از قوانین مرسوم در جامعه پرداخت و آن را به شیوه متفاوتی ترسیم نمود. به نظر رابله، «خنده هرگز به دنیای حاکمان راه نیافت و همواره اسلحه‌ای در دست مردم باقی ماند» (احمدی، ۱۳۸۹، ۱۰۶). این مطالب این مضمون را بیان می‌دارد که در آن روزها با حذف شادی و خنده از حوزه‌های رسمی و مذهبی، بخشی در جشن‌ها و مراسم مردم شکل گرفت که به مسائل خنده‌آور می‌پرداخت و این ممنوعیت‌ها به صورت کارناوالی فلکلوریک در جشن‌ها به نمایش درآمد که بیشتر ساختار آن را خنده و اسافل بدن مادی می‌ساخت (افتخاری یکتا، ۱۳۹۳، ۵۳).

البته باید این نکته را ذکر کرد که بسیاری از ناشران آن دوره در هلند و فرانسه و آنتورپ تصمیم گرفتند در کنار این مضامین طنز از تصاویری برای ارائه هر چه بهتر این مطالب استفاده کنند و از این طریق، مخاطب را بیشتر به خواندن این کتاب‌ها تشویق نمایند. نخستین گام‌ها برای چاپ این تصاویر که متناسب با خواست بازار بود را می‌توان در کتاب‌های ناشر فرانسوی «ریچارد برتون»^{۳۵} مشاهده نمود. در آثاری که این ناشر و همکارش «فرانسوا دسپره»^{۳۶} چاپ می‌کردند، تصاویری با مضامین طنز و بدن‌های عجیب و با حالات خنده‌آور و یا صحنه‌هایی از فعالیت روزمره مردم به چشم می‌خورد. این امر باعث شد بسیاری از نقاشان منطقه هلند و فلاندر نیز به خلق این‌گونه آثار توجه نشان دهند و موضوعات تمسخرآمیز، بیشتر در آثار آنها راه یابد (Ibid, 31-32).



شکل ۳. رویاهای خنده‌دار، پانتاگروئل، ناشر ریچارد برتون، ۱۵۶۵ میلادی، پاریس.



شکل ۵. پیتر بروگل مهتر، الاغ در مدرسه، ۱۵۵۷ میلادی، گالری ملی هنر واشنگتن دی. سی.

«بازی کودکان» و «جنگ بین کارناوال و روزه‌داران»

در «بازی کودکان» بروگل با مجموعه‌ای از بازی‌های سنتی و قدیمی در منطقه فلاندری مواجه هستیم که در واقع دایره المعارفی از بازی‌ها را بروگل در اینجا به تصویر کشیده است (شکل ۶). ما در این تصویر، کودکانی را مشاهده می‌کنیم که در حال تقلید از اعمال بزرگسالان هستند، آنها سعی دارند مراسم و رفتارهایی را که بزرگسالان نشان در زندگی روزمره انجام می‌دهند، در بازی‌شان شبیه‌سازی کنند.

نمونه‌ای از این تقلید را در میانه تصویر، در مراسم عروسی شاهد هستیم؛ عروس با همان شمایل عروس‌های روستایی که دسته‌ای از کودکان در حال همراهی وی هستند و دخترکانی که جلوتر از آنها با سبدهای گل در حال گلریزی هستند تا وی را به کلیسای ساختگی برسانند (شکل ۷). در سمت چپ، در قسمت پایین تصویر، صفی را برای غسل تعمید می‌بینیم که شخصی جلوی صف بر روی سر خود پارچه‌ای انداخته که تقلیدی از شخصیت‌های مذهبی است و گویی نوزادی را در آغوش دارد و برای انجام غسل تعمید به کلیسا می‌برد (شکل ۸). این مراسم را می‌توان در ادامه مراسم عروسی دانست که



شکل ۶. پیتر بروگل مهتر، بازی کودکان، ۱۵۶۰ میلادی، موزه تاریخ هنر وین.

زندگی طبقه فرودست جامعه و به خصوص فعالیت‌ها و جشن‌های مختلف روستاییان می‌پرداخت. برای مثال در «قص عروسی»^{۳۵} با هیکل‌های درشت و زمختی مواجه هستیم که به صورت ساده و بی‌آرایش در حال شادی و پایکوبی هستند؛ این مطلب ما را بهتر با فضای این اثر همراه می‌سازد و آن وجه اومانستی نگرش بروگل را لمس می‌کنیم. بی‌توجهی بروگل به تعصبات دینی و سیاسی را می‌توان در «کوری عصاکش کور دیگر»^{۳۶} مشاهده نمود (شکل ۴). وی این اثر را در بیان حماقت بشری که مورد توجه تفکر اومانستی آن دوران بود ترسیم کرد و به شیوه تمثیلی به این مطلب در انجیل متی پرداخت که «اگر کوری عصاکش کور دیگر شود، هر دو به چاه می‌افتند».^{۳۷} وی در بسیاری از آثارش به صورت ظریف این‌گونه مطالب را مطرح می‌نمود (جنسن، ۱۳۹۳، ۳۹۴-۳۹۶).

با توجه با آثار مختلف بروگل، نمی‌توان او را از پرداختن به موضوعات طنز و تمسخرآمیز در نقاشی‌هایش غافل دانست، او با استفاده از ابزار طنز و شوخی که موضوع مهم و پرمخاطب آن روزها بود، صحنه‌های مختلفی هم‌چون «الاغ در مدرسه»^{۳۸}، ضرب‌المثل‌های هلندی^{۳۹}، بازی کودکان^{۴۰} و جنگ بین کارناوال و روزه‌داران^{۴۱} را ترسیم نمود. در واقع، همان‌طور که اشاره شد طنز و خنده و حماقت بشری در ترسیم بسیاری از موقعیت‌های مختلف زندگی مردم سهم عمده‌ای یافته بود و آثار بروگل که به زندگی روزمره توجه داشت از این مطلب مستثنی نبود. او در نقاشی «الاغ در مدرسه»، یک ضرب‌المثل هلندی را ترسیم نموده‌است که اگر الاغ را نیز به مدرسه بفرستید چیزی نخواهد آموخت و این الاغ، استعاره‌ای از بچه‌های موجود در صحنه است (شکل ۵). آمیختگی حماقت با بشر و پرداختن به تمسخر و بازی که او را از ساحت فکر و آموختن به دور ساخته به‌شکلی که حتی الاغی را در تصویر شاهد هستیم که مشغول خواندن است و کودکان در حال تنبیه‌شدن و بازی و حماقت کودکان خود هستند. طرح این‌گونه مسائل، آن هم با بیان طنزآمیز در آن روزها مورد توجه مخاطبان بود و در کتاب‌ها توسط ناشران به چاپ می‌رسید.



شکل ۴. پیتر بروگل مهتر، کوری عصاکش کور دیگر، ۱۵۶۸ میلادی، موزه ملی ناپل.



شکل ۹. محراب ساخته شده توسط کودکان و کشیش عروسی، جزئی از تصویر اصلی.

در این تصویر، می‌تواند شاهد خودی باشد که جریان زندگی و مسائل آن در حد یک بازی کودکان و ساده تنزل پیدا کرده و با جنبه‌های طنز و کمیک آن مواجه شود. مخاطب آن روزهای اروپا برای آن که شجاعت ایستادگی در برابر خواست و عقاید کلیسا و جنگ‌های ویرانگر را داشته باشد، باید به مفاهیم خنده و حماقت روی می‌آورد تا قواعد زندگی را به بازی گیرد. در قسمتی از کتاب در ستایش حماقت اثر اراسموس، به مسئله حماقت و دیوانگی کودکان این‌گونه اشاره می‌شود:

«همانطور که می‌دانید شیرین‌ترین و مطبوع‌ترین سال‌های زندگی اولین سال‌های کودکی است. سوال می‌کنم اگر جاذبه حماقت یا دیوانگی نبود کودکان چه داشتند که مستحق این همه ناز و نوازش باشند [...] کودکان احمق‌هایی هستند که مهمل می‌گویند و آنچه در سنین کودکی موجب خشنودی می‌شود فقدان عقل و گفتار ناصواب است» (اراسموس، ۱۳۸۱، ۳۵-۳۷).

اراسموس با تکیه بر حماقت کودکان، آنها را صاحب خشنودی می‌داند که در سنین بزرگسالی رو به زوال و کم‌رنگ شدن می‌رود و این نکته را نیز در این کتاب ذکر می‌کند که بزرگسالان برای تأمین خشنودی و لذت است که در سنین بزرگسالی دست به حماقت‌های مختلف می‌زنند (همان، ۴۸). در واقع، آنها می‌خواهند آن‌چه را که در دوران کودکی داشتند، بار دیگر در سنین بزرگسالی تجربه کنند. اراسموس مسئله بازی را نیز مطرح می‌کند که همه آن‌ها رنگی از حماقت و دیوانگی دارند و هر چقدر سهم حماقت در آنها بیشتر باشد، غم و اندوه را از آن‌ها بیشتر می‌زداید. از جمله بازی‌هایی که به آن‌ها اشاره می‌نماید طاس‌بازی، پانتومیم، رقص، سرودخواندن و قرعه‌کشی است که همه آن‌ها را بر مبنای نوعی حماقت



شکل ۷. دسته عروسی و عروس دهقان در میان آن‌ها، جزئی از تصویر اصلی.



شکل ۸. صف غسل تعمید در بازی کودکان، جزئی از تصویر اصلی.

دو موضوع مهم از زندگی ایام بزرگسالی است. جالب است که ساختمانی که در سمت چپ و جلوی تصویر وجود دارد، همان کلیسایی است که هم دسته عروسی و هم صف غسل تعمید به آن رهسپار هستند و محراب پیشخوان مانند آن با وسایل بازی آراسته شده و کشیش آن یک عروسک است که بر روی پیشخوان قرار گرفته است که این نیز کنایه و تمسخری به وضعیت کلیسا در آن روزها می‌تواند باشد (شکل ۹). در واقع، کودکان با ایفای نقش بزرگسالان در پی آن هستند که اعمال و حماقت‌هایی که بزرگسالان در زندگی روزمره خود، زندگی می‌کنند را به بازی بدل سازند (Hindman, 1981, 447-475). پیتر بروگل در این نقاشی، گویی به دنبال آن بوده است که آدم‌های بزرگسالی را در قامت کودکان ترسیم نماید که به صورت جدی، اعمال روزمره خود را پیگیری می‌کنند و آن را مهم می‌انگارند در صورتی که اگر آن را از دور به نظاره بنشینید، کاری که خود بروگل در جایگاه نقاش این اثر می‌کند، یک بازی کودکان بر مبنای طنز به نظر خواهد رسید. در واقع، این بازی‌ها همان قدر کودکانه به نظر می‌رسند که خواست بزرگسالان در جریان زندگی روزمره این‌گونه است و مخاطب

جایی برای عقل متعهد به افکار کلیسا باقی نمی ماند (شکل ۱۲).

تقلید و پیروی کودکان از بزرگسالان، هم‌چنین موضوع فصلی در کشتی احمق‌های سباستین برانت است که نویسنده در آن، به والدین از رفتارهای نادرست هشدار می‌دهد زیرا کودکان به راحتی تمام کارهایی که بزرگترها انجام می‌دهند را تقلید می‌کنند: کاری که تو انجام می‌دهی، فرزندت آن را انجام خواهد داد و بچه‌های شیطان از تو رفتار را تقلید می‌کنند. کوزه‌ها را بشکنی، فرزندت هم آنها را می‌شکند. گویی یک میمون بازی است. پسران تقلید از پدرانشان می‌کنند و دختران تقلید از مادرانشان می‌کنند، فرزندان ما شبیه ما خواهند شد. در حضور کودکان بسیار مراقب باشید، درواقع آنها در گفتار و عمل از شما تقلید می‌کنند (Hindman, 2013, 447-475). این تقلید از شیوه زیست و حماقت‌های بزرگسالان، در اثر «بازی» بروگل به نمایش درآمده است.

اثر «جنگ بین کارناوال و روزه‌داران»، به مراسمی در قرون وسطی می‌پردازد (شکل ۱۳) که در آن، مردم به مدت چهار روز مقرارتی مربوط به خوردن را رعایت می‌نمایند، مردم در چند روز مانده به «چهارشنبه خاکستر»^{۲۲} همه غذاهایی را که در این چهار روز از خوردن آنها منع بودند مانند گوشت، غذاهای چرب، تخم مرغ و ... را می‌خورند. به این روزها، «روز چرب» نیز گفته می‌شود. انجام این مراسم همراه با جشن و و شادی و عیاشی است و مردم، بسیاری از قوانین متداول جامعه خویش را زیر پا می‌گذارند. بروگل در اثر خود، صحنه‌ای از این روز و مراسم مربوط به آن را ترسیم کرده است (همایونی، ۱۳۹۹، ۳۳-۴۹).

در این اثر، موضوع تقابل میان کلیسای کاتولیک و تفکری که به دنبال ایجاد لذت و خنده در بستر زندگی روزمره بود، بیشتر به چشم می‌خورد. همان‌طور که اشاره شد در بسیاری از مناطق اروپا از جمله فلاندر، تفکر پروتستانیسم در پی آن بود



شکل ۱۲. پسری که قصد پرتاب چیزی را به جغد در لانه دارد، جزئی از تصویر اصلی.

می‌داند (همان، ۴۵). تمام این بازی‌ها و فعالیت‌ها در تصویر بازی کودکان بروگل ترسیم شده‌اند. مثلاً دو دختری که در قسمت پایین، سمت چپ تصویر در حال استخوان‌بازی هستند و برای امتحان شانس و اقبال خود در زندگی، از استخوان‌ها استفاده می‌کنند به حماقت آنها اشاره دارد گویی آن دو از درک مسائل مهم‌تر زندگی عاجز هستند و خود را به دست شانس سپرده‌اند (شکل ۱۰)؛ یا آن کودکانی که در انتهای تصویر، سمت راست قسمت بالا در حال راهپیمایی و پیروی از یک رهبر هستند؛ آنها این فعل را از بزرگترهای خود آموخته‌اند و دست به پیروی کورکورانه و احمقانه از شخصیتی زده‌اند که جلوتر از آنها در صف راه می‌رود (شکل ۱۱).

در سمت چپ تصویر، پسری را می‌بینیم که سر از دریچه بیرون آورده و در حال پرتاب چیزی به جغدی است که در لانه خود نشسته است. درواقع، بروگل به زیبایی این مسئله را ترسیم می‌کند که عقل و دانایی که جغد نماد آن است، مورد حمله حماقت کودکان قرار می‌گیرد و در انبوهی از رفتارهایی که بر مبنای حماقت و طنز شکل گرفته، او نیز دستخوش تمسخر است و باید کنار رود زیرا در عرصه‌ای که حماقت و طنز مورد توجه قرار گرفته و منجر به سرمستی انسان شده،



شکل ۱۰. دو دختر مشغول طاس بازی، جزئی از تصویر اصلی.



شکل ۱۱. صف راهپیمایی کودکان در پیروی از رهبر خود، جزئی از تصویر اصلی.



شکل ۱۳. پیتر بروگل مهنتر، جنگ بین کارناوال و روزه‌داران، ۱۵۵۹ میلادی، موزه تاریخ هنر وین.

عجیبی دچار نقص و عیب و زشت ترسیم شده‌اند، افرادی را در تصویر می‌بینیم که با نقص جسمانی در حال گدایی هستند و اغلب، لباس‌هایی به تن دارند که نقص جسمانی آنها را بی‌پرده نشان می‌دهد. گویی افراد، در مراسم کارناوال، ترسی از نمایش مشکلات جسمانی و نقص‌های خود ندارند و حتی علاقه دارند با لباس‌ها و نقاب‌هایی که استفاده می‌کنند آن را زشت‌تر و مضحک‌تر نشان دهند. گویی بروگل سعی بر آن داشته تا پرداختن به حماقت و تمسخر در زندگی انسان‌ها را همراه با پای کوبی و سرمستی و پذیرش این مفاهیم را در زندگی روزمره به صورت ماهرانه به نمایش درآورد. مردی که بر روی بشکه نشسته است، از نظر چهره و اندام و لباس، وضعیت مضحکی دارد؛ او چیزی شبیه پای گوشت بر سر گذاشته و سیخی را در دست دارد که از اقسام گوشت‌های ممنوعه در ایام روزه پر شده است و او نماد کارناوالی است که در پشت سر وی در حال برگزاری است. در واقع، او نشانه حماقت و طنز موجود در کارناوال است که شبیه آن را در «تمثیل شکم‌پرستی و شهوت»^{۴۵} بوش می‌توان ملاحظه کرد (شکل ۱۴). این فرد می‌تواند با آن اندام فربه‌ی که دارد و خوکی که درست در کنار او در حال خوردن کثیفی است، نماد همان شکم‌پرستی و شهوت نیز باشد (شکل ۱۵). می‌توان گفت بروگل سعی کرده است با استفاده از بیان طنزآمیز، مضمون اخلاقی مدنظر خویش را نیز برای مخاطبان اثر ترسیم نماید.

در سمت چپ تصویر درست در مقابل مهمان‌سرا افرادی را می‌بینیم که در حال برگزاری نمایشی به نام «عروس کثیف»^{۴۶} هستند. بازیگران با لباس‌های کثیف و عجیب در

که قدرت مطلق کلیسا را کنار بگذارد و به جایگاه خود انسان در مورد مسائل دینی و مذهبی و زندگی اعتبار بخشد. البته آن‌چه در مورد جایگاه انسان مدنظر پروتستان‌ها بود با اندیشه رایج اومانیستی که مدنظر افرادی چون اراسموس بود تفاوت داشت. تفکر پروتستانیسم اگرچه به دنبال بازتعریف برخی مسائل دینی و اخلاقی و از میان برداشتن قدرت کلیسای کاتولیک بود اما «مارتین لوتر»^{۴۴} می‌خواست انسان‌ها را به جای کلیسا، به خود کتاب مقدس برای فهم مسائل دینی ارجاع دهد و این تفکر، چندان از اراده آزاد برای انسان‌ها در عرصه مذهبی و اخلاقی و مسائل اجتماعی دفاع نمی‌کرد و همین امر، سبب اختلاف لوتر با متفکران اومانیستی‌ای چون اراسموس شد زیرا افرادی چون او در صدد دفاع از اراده آزاد انسانی بودند و حتی سعی داشتند به نوعی توجه به لذت‌های زندگی را که توسط کلیسای کاتولیک طرد شده بود، مطرح نمایند.

در سمت راست اثر «جنگ بین کارناوال و روزه‌داران» با گروهی از افراد مواجه هستیم که در حال آمد و شد به کلیسا هستند و لباس‌هایی معمولی به تن دارند که اغلب تیره‌رنگ است و این افراد، مشغول جمع‌نذورات و یا در حال کمک‌کردن به گدایان هستند و برخی از آنها نیز پس از اتمام مراسم کلیسا در حال خارج‌شدن از ساختمان آن هستند. در سمت چپ اثر، به خوبی می‌توان رد پای تأثیرات هیرونیموس بوش را مشاهده نمود؛ توجه به وجه طنز و تمسخرآمیزی که در لباس‌ها، نقاب‌ها، حالت بدن افراد، حضور گدایان، ابله‌ها و دلقک‌ها به خوبی مشاهده می‌شود. بدن افراد در سمت چپ، اغلب خارج از فرم طبیعی و به شکل

نمایشی را در دل یک نمایش دیگر به تصویر می کشد و انسان‌ها را در حال ایفای نقش‌هایی نشان می دهد که مخاطبی از دور آنها را در مجموعه‌ای وسیع‌تر به تماشا نشسته و فاصله گرفتن آنها را از عقلی که در خدمت مفاهیم ایمانی و اخلاق کلیساست نظاره می کند و با حماقت اغراق آمیز آنها، طنز موجود در زندگی روزمره بشری را درمی یابد. دو مردی که در پایین تصویر، سمت چپ در حال طاس بازی هستند و لباس‌های مبتدل به تن دارند، مانند همان دو دختر در تصویر بازی کودکان هستند که در حال آزمایش بخت و اقبال خود با طاس هستند و همان حماقت کودکانه را در سن بزرگسالی ادامه می دهند (شکل ۱۶). انسان‌های موجود در این تصویر بروگل، به شکل واضحی تضاد خود را با موازین مذهبی کلیسا نشان می دهند. این افراد در حال به سخره گرفتن زندگی بر مبنای چارچوب‌های عقل ایمانی نیز هستند و این دیوانگی و گناه را البته در تقابل با دیدگاه کلیسای کاتولیک جشن گرفته‌اند. یک نوع اعتراض به مقدس سازی انسانی در این تصاویر وجود دارد که دیگر شبیه به انسان آثار کلاسیک نیست. گدایان و افرادی که در این تصویر شاهد هستیم، رقت‌انگیز هستند و حتی رفتارشان به شکل اغراق آمیزی خنده آور است. بروگل آنها را به درستی زشت و نامتناسب ترسیم کرده، گویی عمده انسان‌های طبقه فرودست برخلاف طبقه اشراف در آن ایام در چنین شرایطی به سر می بردند و زندگی خود را به این شکل سپری می کردند و این حقیقتی برخاسته از جامعه مورد توجه پیترو بروگل مهتر بود. در واقع، انسانی که او در این اثر خود ترسیم نموده، پایبند صرف به اخلاق و قوانین موجود در کلیساها نیست. او در عرصه زندگی‌اش همان موجود زشت و مسخره‌ای است که از حماقت و پلیدی خود لذت می برد و می خواهد به این سیاق از زندگی خود توجه بیشتری نماید. او برای خنده و طنز و حماقت، اعتبار قائل شده است و در جریان روزمرگی آن را می ستاید.

جالب است که افرادی نیز در میانه تصویر، مشغول فعالیت‌های زندگی روزمره خویش هستند و به هیچ کدام از فعالیت‌ها و وقایع دو طرف نقاشی توجهی ندارند و کار خود را انجام می دهند. مثلاً زنانی که در کنار چاه، مشغول ماهی پاک کردن هستند (شکل ۱۷) و یا زنی که مشغول نان پختن است. البته این زنان در میانه تصویر، در واقع، میانه‌گرایی و تعادل را در نگاه بروگل نشان می دهند. او زنانی را ترسیم می کند که در گروه افرادی هستند که نه به بخش حماقت و تمسخر این نمایش تعلق دارند و نه به بخش مذهبی و اخلاق مدار این جریان توجه می کنند و با آن که در صحنه حضور دارند و تعدادشان بسیار کم است، دسته و گروه سومی را در نقاشی به وجود آورده‌اند که به درستی در مرکز تصویر و در میانه دو گروه ترسیم شده است. بروگل همه طیف‌های موجود در جامعه را مدنظر قرار داده و نقش هیچ‌یک از این افراد را در اثر خود فراموش نکرده است.



شکل ۱۴. هیرنیموس بوش، مرد بر روی بشکه در اثر شکم‌پرستی و شهوت، ۱۵۰۰ میلادی، گالری هنر دانشگاه ییل.



شکل ۱۵. پادشاه کارناوال که بر روی بشکه نشسته است، جزئی از تصویر اصلی.



شکل ۱۶. دو مرد در حال طاس بازی، جزئی از تصویر اصلی.

حال ایفای نقش خود هستند. این قسمت از تصویر نیز اشاره به مسئله نمایش و بازی در نقاشی بروگل دارد. بروگل در سه اثر خود، «بازی کودکان»، «ضرب‌المثل‌های هلندی» و «جنگ بین کارناوال و روزه‌داران» به مسئله نمایش و بازی و حماقت در صحنه‌هایی شبیه به سن نمایش، پرداخته است. گویی وی



شکل ۱۷. زنانی که در میانه تصویر در حال ماهی پاک کردن هستند، جزئی از تصویر اصلی.



شکل ۱۶. دو مرد در حال طاس‌بازی، جزئی از تصویر اصلی.

نتیجه‌گیری

خالی است. در اثر بروگل مهتر، انسانی ترسیم می‌شود که موضوعش از تعریف مفاهیم زندگی، بر مبنای عقل در پرتوی ایمان و اخلاق نیست؛ او در بند این قسمت از وجود خود نیست. او انسانی است که دغدغه‌های دینی و اخلاقی برایش کم‌اهمیت شده و بر مسئله حس و خواست و حماقت و خنده خود تکیه دارد و از لذت‌ها و گناه ناشی از آن رهایی ندارد. بروگل، هنرمندی است که به‌طور دقیق انسان‌های اطراف خود و همراهی آنها با طبیعت و زندگی روزمره آنها را زیر نظر دارد و به گونه‌ای این امر را تصویر کرده که گویی آثار او، چون صحنه نمایشی است که در آن، داستان ساده‌ای از زندگی با همه جریان‌اتش در حال سپری شدن است. به‌واقع، پیتر بروگل مهتر با توجه به نشر آثار متعدد از طنزپردازان و رواج عقاید اومانستی و وقایع شکل‌گرفته توسط پروتستانیسیم، نقاشی را ترسیم نموده تا پذیرش و ارزش مفاهیم طنز و حماقت زندگی بشری را در بستر خشونت‌ها و سختی‌های آن روزهای اروپا به صورت دقیق و زیبا در برابر دیدگان مخاطب خود به نمایش درآورد و او را به تفکر درباره این مفاهیم در زندگی روزمره ترغیب نماید.

با توجه به این دو اثر بروگل و هم‌چنین زمینه‌های فکری و فرهنگی‌ای که در آن ایام وجود داشته است، می‌توانیم این مطلب را دریابیم که بروگل در آثارش از طبقه بورژوازی و مهم جامعه پرهیز نموده است. او سعی کرده سادگی و زندگی در جریان را در طبقه فرودست جامعه و دهقانان به نمایش بگذارد. در آثار او جایی برای طبقه اشراف و موضوعات مربوط به جریان‌ات کلیسای کاتولیک نیست و هر چه هست زندگی فارغ از تجملات شهرنشینی و مبتنی بر طنز و حماقت بشری است که سادگی و روزمرگی را به جشن و پایکوبی نشسته است. بروگل مهتر اگر بخواهد مضامین اخلاقی را نیز مطرح کند، همسو با تفکر اراسموس سعی دارد طنز و تمسخر را با آن همراه سازد تا مخاطب را به سمت مفاهیمی متفاوت از زندگی خود سوق دهد. در دو اثر مورد بررسی بروگل مهتر، با انسان‌هایی مواجه هستیم که در عین سادگی، از زندگی خود لذت می‌برند و به خنده و پایکوبی می‌پردازند و همین سرمستی، رنگی شده برای تمایز آنها با آثار دینی و تمثیلی موجود در ایتالیا که فرسنگ‌ها از چنین فضاهایی به دور است و از ذهنیت زندگی روزمره یا خنده و حتی حماقت و تمسخر

پی نوشت

20. Quentin Matsys (1466-1530)

21. Pieter Aertsen (1508-1575)

22. Surrealism

23. Classicism

24. Mannerism

25. Antwerp

26. Barabant

27. Laurent Joubert (1529-1583)

28. Traité du Ris

29. La vie de Gargantua et de Pantagruel

30. Richard Breton (1524-1571)

31. François Desprez (?-1587)

32. Humanism

33. Pieter Coecke van Aelst (1502-1550)

34. Hieronymus Cock (1518-1570)

35. The Wedding Dance

36. The Blind Leading the Blind

38. The Ass at School

39. Netherlandish Proverbs

40. Children's Games

41. The Fight Between Carnival and Lent

42. Ash Wednesday

43. fat day

44. Martin Luther

45. Allegory of Gluttony and Lust

46. Dirty Bride

۳۷. انجیل متی، باب ۱۵، آیه ۱۲ تا ۱۹

منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۸۶). *ساختار و تأویل متن*. چاپ شانزدهم. تهران: نشر مرکز.
- اراسموس، دسیدریوس. (۱۳۸۱). *در ستایش دیوانگی*. ترجمه حسن صفاری. چاپ سوم. تهران: نشر و پژوهش فرزبان روز.
- اعوانی، غلامرضا؛ ساسانی، کامران و دیگران. (۱۴۰۰). *فرهنگ فلسفه*. تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- افتخاری یکتا، شراره. (۱۳۹۳). «تحلیل نقاشی پیتر بروگل بر اساس اندیشه باخنین». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر.
- باخنین، مخائیل. (۱۳۹۱). *تخیل مکالمه‌ای جستارهایی درباره رمان*. ترجمه رویا پورا آذر. چاپ سوم. تهران: نشر نی.
- پاکباز، روبین. (۱۳۹۴). *دایره‌المعارف هنر*. سه جلدی. تهران: فرهنگ معاصر.
- جنسن، هورست ولدمار. (۱۳۹۳). *تاریخ هنر*. ترجمه فرهاد مرزبان. چاپ چهارم. تهران: علمی و فرهنگی.
- همایونی، هانیه. (۱۳۹۹). «تحلیل نقاشی جنگ بین کارناوال و روزهداران اثر پیتر بروگل». نشریه مطالعات عالی هنر، دوره دوم، شماره ۶: ۳۳-۴۹.
- Gibson, Walter S. (2006). *Pieter Bruegel and the art of laughter*, California: University of California Press.
- Hindman, Sandra. (1981). "Pieter Bruegel's Children's Games, Folly, and Chance". *The Art Bulletin*, Vol. 63, No. 3: 447-475.
- Sullivan, Margaret A. (2011). "Bruegel the Elder, Pieter Aertsen, and the Beginnings of Genre". *The Art Bulletin*, Vol. 93, No. 2: 127-149.
- Van der Coelen, Peter; Lammertse, Friso; Richards, Lynne (translator). (2019). "Bosch to Bruegel: Uncovering Everyday Life". *Journal of Historians of Netherlandish Art* 11:1 (Winter 2019). DOI: 10.5092/jhna.2019.11.1.4

1. Protestantism

اصطلاح پروتستان در اصل به آن شاهزاده‌های آلمانی گفته می‌شد که در مجلس اسپیر در سال ۱۵۲۹ به تصمیمی درباره لغو آزادی آنان در اداره امور دینی در قلمرو خود به گونه‌ای که مناسب می‌دانستند، لب به اعتراض گشودند. کلیسای پروتستان عموماً بر این عقیده بودند که اصل مرجعیت باید کتب مقدس باشد، نه کلیسا یا پاپ.

2. Ecclesia Catholica

3. Nederland

4. Flandre

نواحی جنوبی سرزمین‌های پست، که تقریباً مطابق کشورهای بلژیک و لوکزامبورگ امروزی است، در قدیم فلاندر نامیده می‌شد. فلاندر با فرانسه و آلمان پیوند جمعیتی و فرهنگی داشت و همواره با هلند در ارتباط متقابل بود. علاوه بر این، سرنوشت فلاندر کاملاً با سرنوشت دودمان بورگنی و هابسبورگ گره خورده بود. فلاندر از لحاظ هنری در برخی از دوره‌ها تأثیری مهم بر سایر کشورهای اروپایی گذاشت.

5. Habsburg

6. Karl V (1500-1558)

۷. از جمله جنگ‌هایی که میان سرزمین پست و پادشاهان دودمان هابسبورگ رخ داد و برای مدت طولانی این مناطق را درگیر نمود می‌توان به جنگ هشتادساله اشاره کرد که در میان این مناطق و فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا شکل گرفت. فیلیپ دوم از جمله پادشاهان دودمان هابسبورگ و سخت پایبند به اجرای قوانین کلیسای کاتولیک بود و به همین سبب بسیاری از اقدامات نهضت پروتستانسزم و استقلال طلبانه را در این مناطق برنتابید و دست به حمله و سرکوبی مردم در این مناطق زد. و همان‌طور که اشاره شد این جنگ به مدت هشتاد سال در این مناطق به طول انجامید و زندگی مردم را با خود درگیر نمود.

8. In Praise of Folly

9. Desiderius Erasmus 1466-1536

ادیب و دانشمند و انسان‌گرای عصر رنسانس که در هلند زاده شد و در آکسفورد، لوون و تورین تحصیل کرد. ترجمه عهد جدید یونانی او که تأثیر بسیار گذاشت، در سال ۱۵۱۶ انتشار یافت. او و لوتر هر دو در پی اصلاح کلیسا بودند اما اراسموس توجه خود را برخلاف لوتر به قشر تحصیل کرده و فرهیخته معطوف داشت و از طریق تعلیم و تربیت به دنبال این امر بود و از شور آنی و انجیلی که با ظهور آیین پروتستان همراه بود تبری جست. او از اراده آزاد دفاع کرد و به نوعی از مذهب اپیکوری مسیحی حمایت نمود و با اضافه کردن ارزش جاودانگی و ایمان به ارزش این جهانی اپیکوری، اصل لذت اپیکوری را به اخلاق مسیحی بازگرداند.

10. Sebastian Brant (1458-1521)

طنزپرداز و اومانیست آلمانی است که در دانشگاه بازل در رشته فلسفه و بعد از آن حقوق تحصیل کرد. برانت ابتدا با شعر نوی لاتینی، توجه محافل اومانیستی را به خود جلب کرد، اما با این درک که مخاطبان محدودی برای او به ارمغان می‌آورد، شروع به ترجمه آثار خود و اشعار لاتین دیگران به زبان آلمانی کرد و آنها را از طریق مطبوعات دوستش «یوهان برگمان» منتشر کرد. از میان آثار وی، شناخته‌شده‌ترین اثر آلمانی او طنز «کشتی احق‌ها» است که محبوبیت و نفوذ آن به آلمان محدود نمی‌شود.

11. The Ship of Fools

12. François Rabelais (1494-1553)

13. Pieter Bruegel the Elder (1525-1569)

14. Realism

15. Jan van Eyck (1395-1441)

16. Rogier van der Weyden (1400-1464)

17. Dieric Bouts (1415-1475)

18. Hieronymus Bosch (1450-1516)

19. Lucas van Leyden (1494-1533)